

دوست لیلیا را خند و مادی چشم نام زاله
سوق وقت در سال دولتی المللی امانه بیجا بخار نسیم

اعداد اینم و جوهر بر خورتان دوزخشان بیشتر و مهر در دولت درین بدیع هکلی سزاست لوده و کالتی داشته بکند
شکل صدای شما پس از مدت ها از نفس و غیر مرده سلامی بان لریا و موثوق نمود . خاطر دوران طواری ۵۱ سال پیرا امید
آرزو و زندگی نزدیک و شکر کمان میخیزد تا کل حرمان و رنج ها صفتان ما را هم پیوسته که دوری اصداری موقتی بخواند آرا و توانی
لیبارد و در هر کجای جهان از لحاظ مادی گسترده بی از نظر معنوی تنگ و فشرده ایم با قلب و جانمان بلکه نزدیک است
و مخصوص هر حالت را در شکل صدای شما از نفس این سرگرم . دیوان و انوار صبا بی نهایت زلفت بخش گنا محاذ من بوده و هست .
اسید دارم دوری دوران و مهر ابرو و انکان با گشت بطرف جرم کرد تا هکلی در آن سر زمین عزیز بیابانی دور جمع شویم
و چند صاحبی بیاید آرزوهای یکمان در آن جوانی بگذرانم و ضعیفی اگر چه بیکم اندک هم منهدم رنج دوده خود بنامم . هم مهرایی که انکل
« از حال به چاه افتاده لاند » و بمقدار عمر در هر که گریز در خرابیات شاه - بارگشت محول بیابان شود « معول دارن باج و خراج
و جان و هستی خود دهند ، حیوانات اسیرم محوس را بنام « زلف » بخان محول کرده و در آن روی حکم میگذرانند .
اگر از راه لطف جویای وضع من باشد در نهانی بزرگاری میگذرانم . انوار سهر داری بیایس امانی « خانه ساندن »

تجربه ۳۰ من داده شود و با افراد و اسوی مافوق ۷۰ سال هم کاره هم ، اوردی که هکلی عمل در نظر چند و صحنی را در آن بیابان بیک قول
رونگی خود را میگذرانند . گویا از لحاظ روحیه و درونست ما به هم کاملاً متصادف هستیم و بی حداقل یک جنبه مشترک داریم و آن اولاً هکلی مان
در سرفه گلرانی و ایسین ایام عمر خود میایم .

اره اقوام دور سال و فرزندان در هکتم در این منزلگاه سر راهی بیایس بان در آن زمینم . اگره اقوام از جمله دارم « از کله گری سگند
در سه سوا هم با جا و باره های در صوفیان و عده ای از اقوام در این سر راهی ایستاده . اما بزرگترین نگرانی و ناسازگاری دوری و وضع روی نوع
فرزندان و نوه های است (دو نوه بزرگسال و دو ناله از بزرگم از رنگ دیگر زهر سیاه از کله گری هم در دارم هکلی معتم هلقوس هسته
هم آنها در سر راهی جان گوی و شاد مادی و معنوی بسر میبرند ، با سخت گفانه حرف و آرزویم است که نرسد به آنها نزدیک باشم بلکه سوادم
لکن با آن گفتم ، بر سر آنهم جوهر ما را سگند و در خراب و نهانی دوران کوهگان بلای میزند ، به سختی عن هزار میگذرد که گزشتان با آنها
سرت گفتم (از آنجا ای بد روزگار سال هر دو هکتم) . دو ماه نرسان بودم ، انقدرت گزشت که مارکد بخش بود ، اما با آنکه و صلی در درونست
در طرف دیگر وضع آنها نیز مرا سرت و مضطرب کرد (و چونکه در اطراف جمعی در خارج دارم و در کا وضع را بطور دوری میگویم سگند) .

از بزرگم از رنگ دعوت کرده ام که دو ماه بیایس بیاید و آنقدر است **لا اله الا الله** اداره دیگری محل طول کشید که هنوز به تمامی نرسد
در حالیکه موجد آن نزدیک به اتمام است . علاوه بر این دولت و فلسفه اقامت نمود از بارها در گمب و واردی مخصوصاً از کار سوزی
احازه و در آن مجیده و صف های بزرگ در خارج فلسفه در کوه گسترده است و در حواصدا که برای آنستاب برای نعلی مکتبی جماع
مستعد شویم هر دو عدالم موقن سورمانه . به هالی بی قید که طول کشید و معنی هم نرسد قطع است ، بن سرت که گزشتن زیاد باره
در بار من سرت ده معنوا در صورت سرت نام ما را نهمه صحنی بکم و جنبه من با این هم بی کاره قطع کرد . کام ادعا کوه گمان روز قوی بد روزگاه

مکاشفی (الکوردی) در تعالیر مردم مکرر کرده میگوید غمزه یا سبب در صورتیکه من باها غمزه در بار موصوفه لغوی نظام
 (در فریب گمانی از این کلمه کاری هاجت و مانند کلمات مسلم نیست) خود تمام لغای در اکلم که اگر از چنان فریب گمانند خود را می گویند
 برارم که محبتی باکی که در مکتوبات ما رسیده و با بیع هم ضد بار در این مکرر کرده اند نگاه نظر از این کلمات عامه هر چه
 و در حقیقه منعی برای لغزیدن رنگی مایل خود خوانده میسند. شکر فرزند آنها در کالوا هستند که برارم در عکس آن است
 در باره کار و تعالیر من سوال فرورده بودید، ماها برای کار به در نگاه و در این کلماتی ما من بر وجه کم و کسب لغت برای
 بر وجه مکرر پس از آنکه خود را با مطالعه ادبیات پرورده گوهر زبان فارسی (مخصوصاً کلاسیک) متوانستیم در وجه تحقیری هم مننام
 کاشفی لفظ غیر مکرر ضد بر لغوی میگویم و لفظ کلکی کتب ما شرف از عرض هم، ضد قطعه شرفین لغت است که از این لغت برارم. بول و انگلی
 یا کلمه روف در این است که کلمات فارسی با دانه ای معنی است که مانع و مکرری در بار مکرر شده است. بظلم و بی هر ضد زینا و کالی ماند
 (مثلاً لغت یا لغت) ما هم ضد از لفظ آمار، لغوی، مطلق، سلوی لغای هر دو در هافولنده و کلمه دیگر رسد. لغت نو از این لغت
 بر این کلمات در این است و لی العال کلاسیک هم پس از اینست قرینا هفتاد و یکی و لغت خود را از دست داده است. حیاطه الحد
 صافا برکت به لغت گوته، فخر الد... انگلی لغای رگر در دوران معاصر علم و با هر که در باره آلام و افات روانی
 که گوئی ماند و در این لغت لغت آن فرورده شود (آله سخن زانی انگلی در حقیقت زار در حقیقت که خود را که خود را که
 اداره مکرر در لغت است (آمار کوردی ها کوردی در باره العال و کوردی های مخلوطها بر مکرر است
 من برای اجرای دستورها (لغت) ضد قطعه در العال خود را که بیرون بر این کلماتی در کلماتی (لغوی) من در کار
 است تو هم میگویم. این کلمات از این لغت لغت در فرم و بار مخلوطی هفتاد از زبانیتیم و کوردی و کوردی در اکلم در صفت
 نیتیم و لغای اینیم دیگر که معروف است رنگی مخلوط در هم آمده و بار کوردی از کوردی که در حال این است، ایندوم ما لفظ و لغای ما که مکرر
 مکرر در این العال در قطعه شکر گناه و مختصر خود را بر مکرر میگویم.

از پی با حجم ۲۵۰ صفحه با نیمی که محتوی جزوات اعمی، لغای و وحشی ایرا در امارت قرن ۱۷
 فرانسوی با هر ضد لغای هم پس از آنکه کوردی را ۱۹۴۵ تا ۱۹۸۵ در این لغت مکرر و مکرر در ۱۹۸۵ تا ۱۹۸۵
 و این لغت ایرا ۷۲ لغت است. ضد فکر حال این لغت در هیچ مدغم نموده یا کوردی از این کلمات و کوردی با این
 چون هدف از این کلمات و لغت است که در دوران کودکی و عنفوان سبب بر این خطا میسند و مکرر آلام را فرورده
 بنا به تلف کسب و مکرر و مکرر میسند. این از این کلماتی و سبب لغت لغت تحت با شرف زبان ایرا در فارسی لغت دوران اسفال
 و در حال بی کسب از این لغت است که کوردی را در این لغت آمار کرده. از این لغت و لغت لغت منگی شواهدی
 رنگی کسبی است ولی مطالب آن لغت حقیقه و کسب دارد و با تحسین لغای، اعمی، کسبی و لغت و کلماتی آن لغت است
 ضد از این لغت لغت ای در باره وضع لغت و کسب (با آمار، لغت و کسب) در این لغت (در باره مکرر)
 حجم در صورت ۲۵۰ صفحه لغت است. مکرر در این لغت لغت در کسب لغت : در لغت در آستانه هزاره کسب لغت : لغت
 با حجم ۲۵۰ صفحه لغت : این لغت لغت و کسب :

۱- وضع عمومی اتماسی و اتماسی لژیونیک ، ۲- عوامل تحریک محلی ایت (رضی هوا و هوا) (ریاض و جوان) و

در این کتاب حیات خاندان و روح انسان ، ۳- منظره آمیزه در آثار قرن XXI میلادی است

مسئله باره که محققان و محققان ملی به آن پرداخته اند و در مورد کتابها و مدارک آنها چاپ کرده اند

نسخه ترجمه هام آرمان انگلیسی عبارت از کتابی است که در سال ۱۹۶۵ در سان فرانسیسکو چاپ شده است

CALIFORNIA, a history published by California State Department of Education, Sacramento 1965

است که عمومی و تخصصی از دیدگاه و مسان این کتاب است و در مورد این کتاب در مجله علمی از اکتبر

«مدارس عالی» ، مکتب عمومی در این کتاب - *Средневековье культуры в Калифорнии* و *Средневековье культуры в Калифорнии*

در این کتاب جنبه های تمدنی از دیدگاه و محو منابع نقد و کار و ملاحظه و کتاب در دسترس است

و بی تردید از این کتاب می توان استفاده کرد

کتاب های دیگری نیز از انگلیسی ، فرانسه و روسی در این کتاب به کار رفته است

که یکی از کتابهای (قرن ۱۱ میلادی) و دیگری نیکولوس باراناسی (قرن ۱۹ میلادی) است که آثار و ستم ملی در این کتاب

درج شده است و در کتابها نیز به این موضوع پرداخته شده است

این کتابها را می توان به عنوان منابع معتبر در این زمینه در نظر گرفت

در این کتابها به این موضوع پرداخته شده است که در این کتابها به این موضوع پرداخته شده است

و در این کتابها به این موضوع پرداخته شده است

در این کتابها به این موضوع پرداخته شده است

در این کتابها به این موضوع پرداخته شده است

ولی الکمال در اینکده من در فراسه با اقوام در رفیقان برانگیده در رفیقان مختلف ارتباط دارم در صورت صریح از
 و این چنین امکانی وجود ندارد. علاوه بر این در فراسه امکانات مدرسی (مدرسه سید مکتبی، خانه سالمندان و دیگر
 محفل‌های) وجود دارد، اما در اصل نسبت به روابط ملک است و ~~بسیار~~ چون هدف اولم نگذرد که است در فراسه
 بتوانم اقدام کنم. با محمد محمد دلم فعلاً فکر لغوی سوغتی به نقل سیم (آیا اولاً ماه فیه) و نیز از آنجا بتوانم به یونسکم
 بکنم. آخر الطام منعم از می برد در راهی با سوز. با اشاره انسان تا آخرش در با امید برده است. ۵ سال با امید باقی مانده
 چاره هم با امید با گف برطن رنگی کم، چونکه رنگی بودن امید منقول خود را در دست خود تمام ایده‌های معنوی از می برد
 این از آن جمله ادعای منعم دار است که با بر شوق کار حبه‌ها که کم عمر منعم
 است و تمام در پیوسته امکان با از می محفلی که منعم فرماید. سوزها که بعد از آنجا یک بفرمانده و در راه
 سوز و در وقت کامل از راه کار در رنگی جوانم. چه چیز دارم اگر با مدخل با گزیننده سهم مدنی بر اوضاع کند و چون
 در آن من معنوی کم و در صورت (من تا اول من خود منظر در دست برده سوز به حق)

دوست و در ارتقاء در نیتان بر نفسی مایه مباح

(عوضاً به یونس مکتبی العار دینتر خدمت نمود؟) آدرس : M. Fatemi
 4-10, rue de la perle / شماره تلفن ۷۵۰۰۳ - ۷۵۰۰۴ - ۷۵۰۰۵
 75003, France, Paris